علم ارثی و علم درسی

علوم بر دو دسته هستند: ۱. علومی که با درس خواندن به دست می‌آید. این همانند تحصیل مالی است که انسان با کارکردن و تلاش خودش به دست می‌آورد؛ ۲. علومی که ارثی هستند؛ یعنی مانند اموالی هستند که به ارث از پدر و مادر به انسان می‌رسد.

شرط در علوم ارثی مناسخت است. به این معنا که انسان از کسی ارث می‌برد که هم سنخ او باشد. هر چه این سنخیت بیشتر باشد، میزان و مقدار ارث نیز بیشتر خواهد بود؛ چرا که طبقات ارث هم مطرح است و خویشاوند نزدیک حتی مانع ارث بری خویشاوند دور می‌شود. وقتی فرزندان مرده هستند به عمو و برادر مرده ارثی نمی‌رسد.

ضرورت مناسخت

از آنجایی که علوم پیامبران از سنخ علوم ارثی است، باید مناسخت و سنخیت باشد تا این علوم را ارث ببریم. پیامبر(ص) می‌فرماید: العلماء ورثه الانبیاء، عالمان راستین همان وارثان پیامبران هستند وچون این علوم وحیانی هستند، راه ،آن است که عالم خودش را مناسخ پیامبران کند. از این رو، تنها مسلمانی کافی نیست بلکه باید فراتر رفت تا به عنوان خویش نزدیک بتوان از علم انبیاء بهره و ارث برد. باید محمدی(ص) و علوی(ع) شد تا از این والدین ارث برد؛ چرا که پیامبر(ص) می‌فرماید: انا و علی ابوا هذه الامه؛ من و علی پدران این امت هستیم. حال اگر بخواهیم از علوم آنان ارث ببریم و مثلا قرآن را دریافت نماییم چنان که پیامبر(ص) و علی(ع) دریافت کردند و مخاطب خدا و قرآن شویم، باید مانند سلمان (ع) محمدی(ص) شویم: سلمان منا اهل البیت(ع). خداوند می‌فرماید راه همان است که پیامبران پیمودند و در این میان تقوا نقش کلیدی برای مناسخت و مشابهت با پیامبران و کسب خویشی و قومی دارد. خداوند می‌فرماید: وَاتَّقُواْ اللّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللّهُ ؛ تقوای الهی پیشه کنید تا افزون بر چیزهای دیگر، خداوند شما را تعلیم دهد. (بقره، آیه ۲۸۲) هر چه این تقوا بیشتر و قوی‌تر باشد، فرزندی قوی‌تر خواهد بود و ارث بیشتری می‌رسد و اگر این سنخیت همراه با ذکوریت باشد ارث دوبرابر خواهد بود: يُوصِيكُمُ اللّهُ فِي أَوْلاَدِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الأُنثَيَيْنِ(نساء، آیات ۱۱ و ۱۷۶)

پس باید خویشاوندی خود را با پیامبر(ص) و امامان (ع) ایجاد و تقویت کرد و تنها راه نیز، محمدی(ص) و علوی (ع) شدن است تا از پدر به پسر ارثی به ویژه ارث قرآن و وحی برسد. این نوع علوم با درس و بحث و مانند آن به دست نمی‌آید. در حقیقت علم حقیقی ،تحصیلی و اکتسابی نیست بلکه علم واقعی، وراثتی است.

اتمام حجت با وحی

انسان به وحی نیاز دارد؛ زیرا اولا موجودی اجتماعی است که باید افزون بر جمع با دیگران زندگی کند تا نیازهایش برآورده شود و نیازهای انسانی اقتضای اجتماعی بودن را دارد. اجتماعی بودن نیز نیازمند قانون است. قانون‌های انسانی با هم اختلاف دارد. پس قانونی لازم است که به دور از اختلاف باشد که همان وحی است. بنابراین انسان برای مدنی بودن نیازمند وحی است.

ثانیا: انسان برای ابدیت و آخرت آفریده شده است. پس باید برنامه راه داشته باشد. از آنجایی که عقل و فطرت تنها کلیات را می‌فهمد، نمی‌تواند برنامه راه بدهد. پس لازم است که وحی بیاید و راه را به انسان نشان دهد.

ناقص بودن عقل در برابر وحی

به سخن دیگر، عقل از خطوط کلی باخبر است، ولی از بسیاری از مسائل جزئی آگاه نیست. مثلا عقل می‌گوید: بشر با کلّ جهان در ارتباط است. اما خواصّ چیزها، حلیّت و حرمت و نیز سود و ضرر چیزها برای عقل روشن نیست. از این هم مهم‌تر، از گذشته و آینده بشر خبری دقیق و کامل ندارد. این که به کجا می‌رود؟ یا بهشت و جهنم و حساب و کتاب چیست؟ آیا اعمال چگونه زنده‌اند؟ و چگونه محاجّه می‌شوند؟ این‌ها را نمی‌داند. این وحی است که این امور را بیان می‌کند.

از آیه ۱۶۴ و ۱۶۵ سوره نساء که می‌فرماید: وَ رُسُلاً قَدْ قَصَصْناهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ... لِئَلاّ يَكُونَ لِلنّاسِ عَلَى اللّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ؛ و رسولانی که پیش از این درباره آنان سخن گفتیم و ... تا برای مردم علیه خدا پس از رسولان حجت وبهانه‌ای نباشد، به دست می‌آید که عقل و فطرت لازم است، ولی کافی برای اتمام حجت نیست؛ بلکه برای اتمام حجت لازم است تا وحی نیز باشد. واژه (بَعْدَ) در آیه، ظرف است و بر مبنای اصولی‌ها مفهوم ندارد؛ ولی چون در مقام تهدید است، در اینجا مفهوم دارد؛ یعنی اگر ما انبیا را نمی‌فرستادیم حجّت مردم بر خدا تمام بود، ولی پس از آن که انبیا را فرستادیم دیگرمردم حجّتی ندارند. پس اتمام حجت با وحی صورت گرفته است نه با عقل و فطرت.

سوخت و سوز جهنم

وقتی کوره‌ای را می‌خواهند برای کاری روشن کنند، سه چیز لازم است: ۱. ماده سوختنی؛ ۲. ماده آتش زنه؛ ۳. ماده گداخته شونده. مثلا اگر بخواهند آهن تولید کنند، نفت و کبریت و سنگ آهن لازم است.

در دوزخ نیز این سه چیز مهیاست:۱. عدالت خورندگان و ظالمان، هیزم و ماده سوختنی جهنم را تشکیل می‌دهند: وَ أَمّا الْقاسِطُونَ فَكانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَباً(جن، آیه ۱۵)؛ ۲. آتش زنه نیز سران کفر هستند: وَقُودُ النّارِ *كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ(آل عمران، آیه ۱۰ و ۱۱) چرا که «وَقُودُ النّارِ» همان چیزی است که با آن آتش می‌افروزند و مشتعل می‌سازند یعنی «ما توقد به النار» و آنان همان رهبران کفر هستند ؛ فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ(توبه، آیه ۱۲) ۳. فتنه شدگان و عذاب شدگان در دوزخ که همان توده‌های مردمی هستند که از ظالمان و مستکبران پیروی می‌کنند و حالا آنان را لعنت می‌کنند: كُلَّما دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَها. (اعراف، ایه ۳۸)

در آستانه سالروز ولادت با سعادت منجی عالم بشریت حضرت صاحب‌الزمان(عج)، رهبر معظم انقلاب اسلامی از نمایشگاه مجموعه تولیدات علمی و پژوهشی مؤسسه دارالحدیث بازدید کردند. در جریان این بازدید، دانشنامه امام مهدی(ع) بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ، محصول جدید پژوهشکده علوم و معارف حدیث وابسته به این مؤسسه در محضر رهبر معظم انقلاب رونمایی شد.

انتشار دانشنامه ده جلدی امام مهدی(عج) چنان مهم بود که رهبر انقلاب شخصا در مراسم رونمایی این کتاب حاضر شدند و ضمن تشکر صمیمانه از تدوین دانشنامه امام مهدی(عج)، آن را نمونه برجسته‌ای از شناسایی خلأها و مسئله‌یابی درست و هدیه‌ای ارزشمند به جامعه اسلامی و جامعه علمی خواندند. به دلیل اهمیت فوق‌العاده این دانشنامه و ضرورت آشنایی هر چه بیشتر علاقه‌مندان و محققان با این کتاب ارزشمند، گزارش زیر که توسط موسسه دارالحدیث تهیه شده تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

گزارشی از دانشنامه امام مهدی (ع)

دنیایی از دانستنی‌ها درباره امام زمان(عج) در یک کتاب جامع

دانشنامه امام مهدی(ع)شامل یک درآمد، چهارده بخش و هفتاد فصل است و در آن مسائل مرتبط با موضوع مهدویّت، با تکیه بر نصوص معتبر اسلامی(متون آیات و احادیث)، بررسی می‌شود.

برای آشنایی کلی با محتوای دانشنامه، مروری سریع بر بخش‌ها و زیرفصل‌های آن خواهیم داشت.

بخش اول: مهدویّت از نگاهی کلی

به دلیل اهمیت موضوع مهدویّت و ویژگی‌های خاص این عقیده، پیش از طرح مباحث مربوط به زندگی امام مهدی(ع) از ولادت تا تشکیل حکومت، در نخستین بخش از این دانشنامه، عقیده به امام مهدی(ع) از نگاه قرآن و احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به طور کلی و در پنج فصل بررسی شده است:

۱ ـ ۱ . تداوم رهبری الهی

در این فصل آیات و احادیثی را نقل می‌کنیم که بر حضور امام و حجتی الهی در زمین از آغاز تشکیل جامعه بشر تا پایان جهان تأکید دارند و گویای آن هستند که پس از پیامبر خاتم(ص)، امامان از نسل ایشان خواهند بود.

۱ ـ ۲ . تداوم امامت در نسل پیامبر(ص)

در این فصل مسئله بسیار مهم تداوم امامت و رهبری امّت در نسل پیامبر خاتم(ص) تا قیامت، بر پایه حدیث متواتر ثقلین که مورد اتفاق شیعه و سنّی است، اثبات می‌گردد. پایان‌بخش این فصل، تحلیلی فشرده و جامع است که در آن از سند این حدیث و دلالت آن بر عصمت اهل بیت علیهم‌السلام و مرجعیت علمی آنان برای امت اسلامی و همچنین امامت امام مهدی(ع) و غیبت ایشان بحث می‌شود و در ضمن آن، نکات قابل توجّه دیگری هم در باره این حدیث شریف خواهد آمد.

۱ ـ ۳ . شمار رهبران الهی پس از پیامبر

در این فصل ابتدا احادیث پرشماری را که در آنها پیامبر خدا(ص) با تعبیرهای گوناگون، رهبران الهی پس از خود را شناسانده، گزارش می‌کنیم. در ادامه این فصل با پژوهش در سند این احادیث، زمان و مکان صدور آنها، اختلاف در متن آنها، مقصود از آنها و نظریه‌هایی که در این باره وجود دارد، اثبات می‌شود که این احادیث جز بر عقاید پیروان اهل بیت در باره امامت خاندان رسالت منطبق نیست.

۱ ـ ۴ . وجوب شناخت امام مهدی(ع)

در این فصل با استناد به احادیث معتبر اثبات می‌شود که بر مسلمانان واجب است رهبر الهی زمان خود را که از خاندان پیامبر(ص) است بشناسند و در ادامه فضیلت شناخت رهبر و خطر بی‌اطلاعی از او بیان می‌شود. همچنین در این فصل روایاتی که از انکار امامت امامان اهل بیت علیهم‌السلام، به ویژه امام دوازدهم نهی می‌کنند، آورده شده است. در پایان فصل وظیفه کسی که توان شناسایی امام را ندارد مشخص می‌شود.

در این فصل، دو تحلیل ارائه می‌گردد؛ یکی درباره وجوب معرفت امام در هر عصری، و دیگری در تبیین وظیفه کسی که شناخت رهبر الهی برایش مقدور نیست.

۱ ـ ۵ . بشارات قرآن

موضوع این فصل اشارت‌ها و بشارت‌های مطرح در شماری از آیات قرآن و پیشگویی آنها از فراگیر شدن اسلام، تشکیل حکومت صالحان و امامت مستضعفان در آینده است. پایان‌بخش این فصل، پژوهش درباره آیاتی است که به حکومت جهانی امام مهدی(ع) اشاره دارند.

بخش دوم: زندگی‌نامه امام مهدی(ع)

در این بخش از دانش‌نامه، زندگی‌نامه امام مهدی(ع)، از نسب خانوادگی تا عمر بلند ایشان، برپایه احادیثی از پیامبر(ص) و خاندان ایشان، در هفت، فصل به ترتیب زیر ارائه می‌شود:

۲ ـ ۱ . نیاکان

در این فصل پس از ذکر نصوصی که به صراحت گویای تعلق امام مهدی(ع) به خاندان اهل بیت و عترت پیامبر خاتم هستند، به نقل روایاتی پرداخته شده که به تفصیل اجداد ایشان را معرّفی کرده‌اند. این فصل، با پژوهشی درباره مادر امام مهدی(ع) به پایان می‌رسد.

۲ ـ ۲ . ولادت

این فصل درباره تاریخ ولادت امام مهدی(ع)، چگونگی تولد ایشان، و امور مرتبط با این موضوع است. این فصل شامل سه پژوهش نیز هست؛ یکی درباره زمان و مکان ولادت، دومی درباره رشد غیر عادی ایشان و سومی در رابطه با سخن گفتن آن بزرگوار پس از تولد.

۲ ـ ۳ . نام

نام‌ها، کنیه‌ها و لقب‌های امام مهدی(ع) در این فصل گزارش می‌شود. با توجّه به اینکه در برخی از مصادر حدیثی اهل سنّت گزارش شده که پدر آن حضرت همنام با پدر پیامبر(ص) است و این گزارش با عقیده پیروان اهل بیت در تعارض است، ضمن پژوهشی بطلان آن اثبات می‌شود. در تحلیلی دیگر، به روایاتی می‌رسیم که از بر زبان آوردن نام اصلی امام منع کرده‌اند. پژوهش سوم در این فصل در باره به‌پاخاستن از روی ادب هنگام ذکر نام امام مهدی(نام «محمّد») و یا لقب «قائم» است. در پژوهش پایانی نیز درباره لقب «ابا صالح» بحث می‌شود.

۲ ـ ۴ . سیما

در این فصل برپایه احادیث مربوط به شکل و شمایل امام مهدی(ع)، چهارده ویژگی مربوط به خصوصیات جسمی و سیمای ایشان بر شمرده شده است.

۲ ـ ۵ . طول عمر

در این فصل ابتدا روایات مربوط به طول عمر امام مهدی(ع) ضمن سه دسته بیان شده و در پژوهش پایان فصل، ادله ثبوتی و اثباتی طول عمر ایشان به بحث گذاشته شده است.

۲ ـ ۶ . ویژگی‌ها

در این فصل شماری از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام مهدی(ع) بر اساس احادیث جمع‌آوری کرده‌ایم که برخی از آنها عبارتند از: شباهت‌هایی با برخی پیامبران، شباهتی از ذوالقرنین، شباهت‌های فراوانی به پیامبر خاتم(ص)، برتری بر همه امامان جز امیر مؤمنان علیهم‌السلام، حضور همه ساله در حج و سروری بر اهل بهشت. در پایان این فصل توضیحی درباره سروران اهل بهشت ارائه می‌شود.

۲ ـ ۷ . پاسخ برخی پرسش‌ها

درباره امام مهدی(ع)، خصوصا در عصر حاضر، پرسش‌ها و شبهاتی مطرح است که آگاهی از پاسخ‌های درست آنها، به ویژه برای نسل جوان، ضروری است. شماری از پرسش‌ها به تناسب بحث، ضمن مباحث گوناگونی که در این دانشنامه آمده است، پاسخ داده می‌شود. از این رو در این فصل تنها به مسائلی پرداخته شده که در سایر بخش‌ها طرح نشده‌اند؛ مانند: چگونگی امامت در خردسالی، موضوع ازدواج امام مهدی(ع)، مکان‌های منسوب به ایشان و جزیره خضراء.

بخش سوم : غیبت امام مهدی(ع)

در این بخش، ضمن سه فصل، به ترتیب زیر، مباحث مربوط به غیبت امام مهدی(ع) طرح و بررسی می‌شود:

۳ ـ ۱ . پیشگویی در باره غیبت

پیشگویی‌های پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) از غیبت امام مهدی(ع) یکی از اقدامات مهم آنان جهت زمینه‌سازی برای پذیرش این حادثه مهم توسط شیعیان بود. از این رو در آغاز این فصل، تحلیلی جامع در باره مهم‌ترین اقدامات اهل بیت در این زمینه ارائه شده است. پایان‌بخش این فصل پژوهشی است درباره چگونگی غیبت آن امام، که شامل توضیحاتی در باره سرداب معروف به سرداب غیبت و پاسخ به شبهاتی در این زمینه است.

۳ ـ ۲ . حکمت غیبت

در این فصل نکاتی که اهل بیت علیهم‌السلام در تبیین راز غیبت امام مهدی(ع) فرموده‌اند، ضمن هفت عنوان تنظیم و گزارش شده و در پایان پژوهشی در باره حکمت غیبت امام آمده است.

۳ ـ ۳ . برکات غیبت

در این فصل آثار و برکات تکوینی امام غایب از منظر احادیث تبیین شده است؛ برکاتی از قبیل بقای نظام جهان و راهنمایی باطنی انسان‌ها. پژوهش پایانی نیز در تبیین همین احادیث است.

بخش چهارم: سفرا و وکلای امام مهدی(ع)

در این بخش، مباحث مرتبط با نهاد وکالت در عصر امامان اهل بیت تا امام مهدی(ع)، فضای جامعه اسلامی منتهی به دوران غیبت کبرا، نایبان خاص امام در دوران غیبت صغرا و مدّعیان دروغین نیابت و مهدویت، در چهار فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴ ـ ۱ . نهاد وکالت

در این فصل، مسائلی مانند، دلایل تشکیل و گسترش نهاد وکالت از سوی امامان، وظایف نهاد وکالت، ساختار نهاد وکالت، قلمرو جغرافیایی نهاد وکالت و اسامی شماری از وکیلان ـ که به ما رسیده ـ تبیین می‌گردد .

۴ ـ ۲ . فضای جامعه اسلامی

در این فصل، فضای جامعه اسلامی پیش از غیبت کبرا در دو قسمت مورد بررسی قرار گرفته است:

بخش اول: جهان اسلام در آستانه غیبت صغرا . در این بخش اجمالاً برخلاف شماری از عباسیان از دوران حکومت «الواثق بالله» تا «المعتمد علی الله» اشاره شده و در ادامه، تجزیه دولت عباسی و نیز برخورد امامان با دولتمردان بنی‌عباس تبیین گردیده است.

بخش دوم: جهان اسلام در دوران غیبت صغرا، در این بخش، فضای جامعه اسلامی در طول غیبت صغرا ـ که مقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود ـ ترسیم گردیده و به رویدادهای سیاسی مهم این دوران اشاره شده است. در پایان این بخش، دانشمندان بزرگ شیعه در عصر غیبت صغرا معرفی شده‌اند و سپس جمع‌بندی نهایی مطالب این فصل، ارائه گردیده است.

۴ ـ ۳ . نایبان خاص

این فصل، اختصاص دارد به شرح حال اجمالی نایبان خاص امام مهدی(ع) در دوران غیبت کوتاه مدّت(صغرا) که به ترتیب عبارت‌اند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری.

۴ ـ ۴ . مدّعیان دروغین

در فصل چهارم ، ابتدا مباحث مهمی مانند: سوء استفاده از مفاهیم اصیل، انگیزه مدّعیان دروغین، زمینه‌های پذیرش ادّعای مدّعیان دروغین و خاستگاه مدّعیان دروغین تبیین می‌گردد و پس از آن، تاریخچه‌ای از مهدیان دروغین ارائه می‌شود.

بخش پنجم: توقیعات امام مهدی(ع)

این بخش با تحلیلی درباره توقیعات (مکاتبان / نامه‌های) امام مهدی(ع) آغاز می‌شود و در ادامه پاسخ‌های مکتوب امام در ایام غیبت کوتاه‌مدّتش به پاره‌ای از پرسش‌های مختلف، ضمن چهار فصل می‌آید.

۵ ـ ۱ . توقیعات اعتقادی و سیاسی

برخی از توقیعات مطرح شده در این فصل مربوط به اعتقاداتی از قبیل صفات خدا و شماری از آنها سیاسی است؛ مانند توقیع مربوط به حفاظت نمایندگان امام از آسیب دشمنان. برخی هم دارای هر دو بُعد سیاسی و اعتقادی است؛ مانند توقیع‌های مربوط به امامت و خالی نماندن زمین از حجت.

۵ ـ ۲ . توقیعات فقهی

در این فصل، ابتدا احادیثی نقل می‌شود که در آنها امام به شماری از مسائل فقهی پاسخ داده است. در ادامه فصل، تحلیل مبسوط و جامعی درباره مفاد این روایات می‌آید.

۵ ـ ۳ . توقیعاتی حاکی از کرامت

در این فصل توقیعاتی آمده که حاکی از اجابت دعای امام مهدی(ع) و یا پیشگویی ایشان درباره برخی از مسائل است.

۵ ـ ۴ . توقیعات گوناگون دیگر

توقیعاتی که در قالب فصول گذشته نمی‌گنجیدند، در فصل چهارم مطرح شده است.

بخش ششم: دیدار با امام مهدی(ع)

این بخش در پنج فصل داستان‌های کسانی گزارش شده که پیش از غیبت امام مهدی(ع) یا در دوران غیبت صغرا و یا در ایام غیبت کبرا به محضر ایشان شرفیاب شده‌اند یا کرامتی از ایشان مشاهده کرده‌اند.

۶ ـ ۱ . دیدار با امام پیش از غیبت

در این فصل شانزده گزارش از کسانی که پیش از غیبت با امام ملاقات کرده‌اند، آورده شده است.

۶ ـ ۲ . دیدار با امام در دوران غیبت صغرا

در این فصل، ۲۶ گزارش از کسانی که در دوران غیبت صغرا موفق به دیدار امام شده‌اند، فراهم آمده است.

۶ ـ ۳ . دیدار با امام در ایام غیبت کبرا

این فصل با تحلیلی در باره امکان دیدار با امام زمان در دوران غیبت کبرا آغاز می‌شود و در ادامه، ۶۲ مورد از چنین ملاقات‌هایی گزارش شده است.

۶ ـ ۴ . عنایت امام به شماری از علما و مراجع تقلید

گزارش‌های این فصل مربوط به شماری از عالمانی است که مشمول عنایات امام مهدی(ع) شده‌اند.

۶ ـ ۵ . خاطراتی از نگارنده

فصل آخر این بخش، شامل هفده گزارش از نگارنده(حجت‌الاسلام محمدی ری شهری) درباره دیدار شیعیان با امام عصر و یا دیده شدن کرامتی از ایشان است.

بخش هفتم: وظایف مسلمانان در روزگار غیبت

این بخش در پنج فصل، وظایف و مسئولیت‌های مسلمانان، به ویژه پیروان اهل بیت علیهم‌السلام را در روزگار غیبت تبیین می‌کند. این وظایف عبارتند از: انتظار، خودداری از عجله و تندروی، پایداری، دعا و تلاش برای زمینه‌سازی جهت حکومت جهانی امام مهدی(ع).

۷ ـ ۱ . انتظار

فصل اول این بخش در باره ترغیب پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) به انتظار برای ظهور امام مهدی(ع) و تبیین ارزش و اهمیت انتظار و فضایل منتظران است. در پایان نیز تحلیلی در این باره تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد.

۷ ـ ۲ . صبر

با توجّه به طولانی بودن غیبت امام مهدی(ع)، در احادیث فراوانی تأکید شده که منتظران باید در این دوران صبور باشند و از عجله دوری کنند تا هنگامی که زمینه لازم برای تشکیل حکومت جهانی اسلام فراهم آید. این احادیث در این فصل تحت چهار عنوان گرد آمده‌اند.

۷ ـ ۳ . پایداری

در روزگار غیبت امام مهدی(ع) تمسک به ولایت ایشان و دینداری، کاری بس دشوار است. از این رو در احادیث پرشمار تأکیدهای بسیاری بر پایداری در دین‌داری در این دوران شده است. این روایات در فصل سوم تحت شش عنوان دسته‌بندی شده‌اند.

۷ ـ ۴ . دعا برای فرج

توصیه‌های فراوانی از پیامبر و امامان رسیده است که مسلمانان را به «فرج (گشایش) خواستن از خدا» توصیه کرده‌اند. در این زمینه، دعاهایی نیز از آن بزرگواران نقل گردیده که در این فصل به تفصیل به آنها پرداخته شده است. به علاوه، بر اساس احادیث، یکی از وظایف پیروان اهل بیت علیهم‌السلام در دوران غیبت امام مهدی(ع)، دعا کردن برای تعجیل فرج ایشان (یعنی «گشایش کار وی» و خواستن ظهور او از خداوند) است. این وظیفه ضمن روایات گرد آمده در این فصل گوشزد شده است. گفتنی است کثرت احادیثی که درباره دعا برای فرج در این فصل نقل شده، برای توجّه دادن مخاطبان به این وظیفه مهم است.

۷ ـ ۵ . زمینه‌سازی

فصل پنجم با روایاتی در باره زمینه‌سازان قیام مهدی(ع) آغاز می‌شود و با تحلیل جامعی درباره مهم‌ترین وظیفه شیعیان در عصر غیبت، یعنی فراهم ساختن زمینه قیام امام مهدی پایان می‌یابد؛ امّا با توجّه به اینکه چنین حدیث‌هایی مورد سوءاستفاده قدرت‌طلبان قرار گرفته، شماری از این دست روایات در باره مردمی که قبل از ظهور مهدی با پرچم‌های سیاه قیام می‌کنند، ضمن تحلیلی مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

بخش هشتم : دعا، توسل و استخاره

این بخش شامل دعاهایی است که اهل بیت علیهم‌السلام درباره ایشان و یارانش یا از امام زمان(ع) نقل شده است. همچنین استخاره‌های منسوب به ایشان گزارش شده و در پایان چگونگی توسل به آن حضرت آمده است. این بخش ده فصل دارد.

بخش نهم: زیارات

در این بخش، موضوع زیارات در دو فصل طرح شده؛ یکی حول زیارت‌نامه‌هایی برای زیارت امام مهدی(ع) و دیگری پیرامون زیارت‌نامه‌های منسوب به ایشان.

۹ ـ ۱ . زیارت‌نامه‌های امام مهدی(ع)

در این فصل مجموعا شش زیارت‌نامه برای امام مهدی(ع) گزارش شده که تنها یکی از آنها، یعنی زیارت آل‌یس، مأثور از اهل بیت(ع) است. سند این روایت در ادامه این فصل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۹ ـ ۲ . زیارت‌های منسوب به امام

در این فصل سه زیارت منسوب به امام گزارش شده است؛ یکی زیارت امیر مؤمنان، که سند معتبری ندارد و دیگری زیارت سالار شهیدان در روز عاشورا. اعتبار سند این دو نیز در تحلیل پایانی بررسی شده است.

بخش دهم: نشانه‌های ظهور

هدف این بخش بررسی نشانه‌هایی است که قبل از ظهور امام مهدی(ع) یا همزمان با آن تحقّق می‌یابد. این نشانه‌ها و تحلیل‌های مرتبط با آنها ضمن سه فصل مطرح می‌شوند.

۱۰ ـ ۱ . نشانه‌های حتمی

احادیث نقل شده در این فصل در باره علایمی است که حتمی نامیده شده‌اند؛ یعنی نشانه‌هایی که قطعا قبل از ظهور رخ خواهد داد؛ مانند خروج سُفیانی، کشته شدن نَفْس زَکیّه و شنیده شدن ندای آسمانی. پایان‌بخش این فصل، روایتی است درباره امکان بدا در نشانه‌های ظهور، حتّی در مواردی که قطعی توصیف شده‌اند.

۱۰ ـ ۲ . نشانه‌های غیر حتمی

در روایات این فصل علایمی برای ظهور امام گزارش شده که وصف حتمی ندارند. در پایان این فصل هم تحلیل مبسوطی در باره علایم ظهور، اعم از حتمی و غیر حتمی آمده است.

۱۰ ـ ۳ . رجعت

بازگشت شماری از درگذشتگان به دنیا در آخرالزمان، یکی از آموزه‌های معرفتی مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و یکی از عقاید اختصاصی پیروان این مکتب است. بنا بر احادیث، این حادثه شگفت همزمان با قیام امام مهدی(ع) در جهان رخ خواهد داد.

بخش یازدهم: قیام

این بخش، شامل نُه فصل برای ارائه گزارش‌هایی درباره زمان و مکان قیام امام، خصوصیات چهره و حالت ایشان هنگام قیام، یاران امام، فرود آمدن عیسی(ع) برای یاری آن بزرگوار، پرچم امام مهدی(ع)، سخنان ایشان در آغاز قیام و چگونگی برخورد ایشان با دشمنان است. در پایان این بخش به پرسش‌هایی در زمینه مدّت حکومت قائم و چگونگی وفات ایشان پاسخ داده شده است.

۱۱ ـ ۱ . زمان قیام

در این فصل احادیث مرتبط با زمان قیام امام مهدی(ع) در هفت عنوان دسته‌بندی شده و در کنار آنها سه تحلیل آمده است؛ یکی درباره تعیین وقت ظهور، دیگری درباره وقوع قیام ایشان در آخرالزمان و سرانجام تحلیلی درباره اینکه آیا در ارتباط با قیام امام مهدی «بدا» تحقّق یافته است یا خیر.

۱۱ ـ ۲ . مکان قیام

در این فصل احادیث مرتبط با مکان قیام مهدوی با توضیحی در این‌باره ارائه می‌شود.

۱۱ ـ ۳ . سیمای امام هنگام قیام

بنابر احادیث، امام هنگام قیام، پیری است با سیمای جوانان. این احادیث در کنار احادیث دیگری که خصوصیات پیکر و لباس ایشان را بیان می‌کنند، در این فصل گرد آمده‌اند.

۱۱ ـ ۴ . یاران امام

بر اساس احادیث این فصل، یاران امام متشکل از چند گروه‌اند: دسته اول: شماری از پیامبران؛ دسته دوم: شماری از فرشتگان؛ دسته سوم: کسانی که پس از مرگ برای یاری امام زنده می‌شوند؛ دسته چهارم: شماری از مسلمانان کشورهای مختلف جهان؛ دسته پنجم: برخی از کسانی که بهره‌ای از نیکی ندارند که درباره این گروه اخیر توضیحاتی ارائه شده است. همچنین در ادامه این فصل، خصوصیات جسمی و روحی یاران امام، تعداد یاران خاص و عام ایشان، نقش زنان در یاری رساندن به امام و سرانجام نام و وطن شماری از یاران امام گزارش شده که با تحلیلی در باره یاران امام ادامه می‌یابد.

در پایان این فصل، گزارش‌هایی از چگونگی جمع شدن یاران امام، شروط بیعت با ایشان، شمار اصحاب امام و ابزار جنگی و امکانات پشتیبانی سپاه ایشان آمده است.

۱۱ ـ ۵ . عیسی بن مریم(ع) در کنار امام مهدی(ع)

این فصل با احادیثی در باره فرود آمدن عیسی(ع) از آسمان برای یاری امام مهدی(ع) آغاز می‌شود و در ادامه نماز خواندن ایشان پشت سر امام و مدّت زندگی او پس از این ماجرا با استناد به احادیث گزارش می شود.

۱۱ ـ ۶ . پرچم امام

موضوع این فصل خصوصیات پرچم امام مهدی(ع) هنگام قیام است؛ برای مثال، گزارش شده که پرچم ایشان همان پرچم پیامبر خدا(ص) است. همچنین بر آن نوشته شده است: «البیعة لله؛ بیعت از آن خداست» یا «اسمعوا وأطیعوا؛ گوش به فرمان و مطیع باشید». از دیگر خصوصیات این پرچم آن است که وحشت شدیدی در دل دشمنان می‌افکند و هیچ‌گاه شکست نمی‌خورد و سرنگون نمی‌شود.

۱۱ ـ ۷ . سخنان امام در آغاز قیام

در احادیثی که در این فصل گرد آمده، سخنان امام در آغاز قیام گزارش شده است.

۱۱ ـ ۸ . برخورد با دشمنان اسلام

گزارش‌های این فصل گویای آن است که امام مهدی(ع) نه‌تنها با مستکبران و عدالت‌ستیزان، بلکه با مدعیان دروغین تشیّع نیز با قاطعیت تمام برخورد می‌کند و ریشه فتنه و فساد را از جهان بر می‌کند. در پایان این فصل، احادیثی را که بر قتل عام مردم در قیام مهدوی دلالت دارند، نقد و ارزیابی می‌کنیم.

۱۱ ـ ۹ . پاسخ به چند پرسش

در آخرین فصل مرتبط با قیام امام، به پرسش‌هایی در باره مدّت حکومت ایشان و چگونگی پایان یافتن عمر پربرکت آن بزرگوار پاسخ داده می‌شود.

بخش دوازدهم: سیره حکومتی

در این بخش احادیث مربوط به سیره حکومتی امام و سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و قضایی ایشان، در شش فصل دسته‌بندی و در پایان تجزیه و تحلیل شده است.

۱۲ ـ ۱ . مبانی سیره حکومتی مهدوی

در فصل نخست، احادیث مرتبط با مبانی و اصول سیره حکومتی امام مهدی(ع) و سیاست‌های ایشان، در سه عنوان دسته‌بندی شده‌اند:

دسته اول: احادیثی که سیره حکومتی امام را مستند به کتاب خدا معرّفی می‌کند. در این احادیث، توضیح داده می‌شود که مقصود از کتاب جدیدی که امام مهدی می‌آورد، چیست.

دسته دوم: احادیثی که سیره حکومتی امام را مستند به سنّت پیامبر معرّفی کرده‌اند. دسته سوم: احادیثی که مبدأ و مقصد سیره مهدوی را احیای ارزش‌های اسلامی دانسته‌اند.

۱۲ ـ ۲ . اصلی‌ترین سیاست‌ها

این فصل، در باره مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین سیاست در حکومت مهدوی، یعنی مبارزه با ظلم و سپس گسترش عدالت در سراسر جهان است. در این فصل، با استناد به روایاتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام در باره عدالت جهانی امام مهدی(ع)، گستره عدالت در حکومت ایشان در زمینه‌های فردی و اجتماعی تبیین می‌شود.

۱۲ ـ ۳ . سیاست‌های فرهنگی

در این فصل شماری از سیاست‌های فرهنگی در حکومت امام مهدی(ع) گزارش شده است؛ سیاست‌هایی مانند گسترش مرزهای دانش، آموزش قرآن بر اساس نزول آن، ساختن مساجد بزرگ، مبارزه با بدعت‌ها، منهدم کردن سنگرهای گمراهی، تعمیق و تکامل ایمان، زنده کردن زمین با علم و ایمان و عدل و سرانجام پایان دادن به حکومت شیطان و فراگیر ساختن حکومت اسلامی در جهان و وحدت ادیان.

۱۲ ـ ۴ . سیاست‌های اجتماعی

این فصل با احادیثی آغاز می‌شود که تصریح می‌کنند روابط اجتماعی در حکومت مهدوی بر پایه برادری دینی است. در ادامه امنیت فراگیر، پیشرفت بهداشت و درمان، توسعه راه‌ها و اجرای قوانین رفت‌وآمد مطرح می‌شود ومهم‌ترین نکته اینکه سیاست‌های اجتماعی امام به گونه‌ای است که نه تنها اهل زمین، بلکه آسمانیان نیز از حکومت او راضی می‌شوند.

۱۲ ـ ۵ . سیاست‌های اقتصادی

مهم‌ترین سیاست‌های اقتصادی حکومت مهدوی، که در احادیث این فصل به آنها اشاره شده، عبارت است از: ریشه‌کن کردن فقر، بازپس گرفتن اموال عمومی از غاصبان، به‌کارگیری اندوخته‌های ثروتمندان در آغاز قیام، تقسیم اموال عمومی میان مردم به طور یکسان و آباد کردن سراسر زمین. در پایان اشاره شده که با اجرای این سیاست‌ها، برکات الهی جامعه را فرا خواهد گرفت، گنج‌های زمین آشکار خواهد شد و در این شرایط است که هر کس می‌تواند هر چه می‌خواهد از امام بگیرد و بخشش‌های امام بی‌حساب خواهد بود.

۱۲ ـ ۶ . سیاست‌های قضایی

مهم‌ترین سیاست‌های قضایی حکومت مهدوی، که در روایات فصل ششم بدان اشاره شده، عبارت است از: آیین قضایی جدید، قضاوت بر پایه علم، فراهم‌سازی امکانات لازم برای قضاوت دقی